سیستم عامل اسلام برترین و ماندگار است

وظیفه دانشجوی منتظر در عصر غیبت و تکلیفی که بر دوش اوست، از جمله سوال هایی است که از ابتدای ورود به دانشگاه در ذهن دانشجویان به عنوان افراد تأثیرگذار حتی در محیط کوچک پیرامونی خود، نقش می‌بندد. در شرایط کنونی و با توجه به موج بیداری اسلامی که سراسر منطقه و حتی دنیا را دربرگرفته است، این سوال در اذهان پررنگ‌تر می‌شود. در این راستا نشستی با عنوان »دانشجوی منتظر و رسالت نظام‌سازی و الگوسازی« در دانشگاه شهیدبهشتی برگزار شد که در آن استاد حسن عباسی به بیان دیدگاه‌های خود در این زمینه پرداخت.

آنچه در پی می‌آید گزارش این نشست به نقل از خبرگزاری دانشجو است:

عباسی با طرح این سوال که اگر حضرت بین ماست، پس چگونه و از کدام سمت به سوی ایشان برویم؟ گفت: رفتن به سوی حضرت حجت از جهت »شدن و صیرورت« است و مبنای صیرورت، این آیه قرآن است که می فرماید: »انّ الله لایُغَیِّرٌ ما بِقومٍ حتی یُغَیِّرُوا ما بِأنفُسِهِم«؛ در هیچ قومی تغییر ایجاد نمی‌کنیم، مگر اینکه در نفس خودشان تغییر ایجاد کنند.
عباسی با بیان اینکه در چنین فضا و چارچوبی که اولاً حضرت جایی نرفته است که بخواهد بیاید و ما منتظر ظهور ایشان هستیم نه منتظر آمدنش و ثانیاً حضرت منتظر ماست، البته نه منتظر جسم ما، بلکه نفس ما در آن صیرورت و شدن باید به مرحله ای برسد که آماده تغییری باشد که خدا وعده داده است، امروز در بخش‌های مختلف جهان اسلام این حرکات رقم خورده است؛ مردم ایران، لبنان و فلسطین تلاش‌های گسترده‌ای در این زمینه کرده‌اند و بخشی از آنچه را که حضرت مد نظر داشتند، محقق کرده‌ایم و نتیجه‌اش این است که اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اگر هر گروه از ما یک گام دیگر از نظر تحول انفسی به سمت حضرت برود، اتفاقات عجیبی رخ می‌دهد.

تاریخ انقضای نظام‌های غرب فرا رسیده است

وی در ادامه با اشاره به مباحثی که رهبر انقلاب در مورد نظام‌سازی ایراد فرموده‌اند، گفت: یک نکته کلیدی که دغدغه رهبر است و امروز زمان آن است که انجام شود، این است که سیستم عامل کامپیوتر جهان ویروس گرفته است و آنچه تحت عنوان لیبرالیسم مطرح بود، ویروسی شده است و باید کامپیوترهای اداره جهان برداشته شود.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال با بیان این مطلب که دو نظام شناخته شده در ۰۵۱ سال گذشته یعنی مارکسیسم و لیبرالیسم، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، بهداشت و درمان و همه چیز جهان را اداره می‌کردند، گفت: ویندوز موسوم به لیبرالیسم ویروسی شده که قبل از آن نیز مارکسیسم ویروسی شده و کنار گذاشته شده بود؛ امروز بشر با یک خلأ نرم‌افزاری یا همان خلأ سیستم عامل رو به روست.

عباسی ادامه داد: همان‌گونه که اگر سیستم عامل کامپیوتر دچار مشکل شود، نمی‌توان از آن استفاده کرد، امروز نظام عمومی جامعه بشری هم با چنین مشکلی رو به روست. ایران ۵۷ میلیون جمعیت دارد و جهان هفت میلیارد نفر؛ این ۵۷ میلیون و این هفت میلیارد سیستم عامل می‌خواهند که چگونگی اقتصاد، سیاست، فرهنگ، بهداشت و درمان را تعیین کند.

وی با تاکید بر کنار گذاشته شدن مارکسیسم و لیبرالیسم گفت: مسئله ما نقد غرب نیست، از این‌گونه حرف‌ها گذشته‌ایم؛ امروز نظام‌سازی یعنی بحث رسالت دانشجوی مسلمان در زمینه‌سازی برای بسط مهدویت و »شدن و صیرورت«، دغدغه ماست.

غرب را باید درست شناخت

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال در ادامه با اشاره به جنایتی که در نظام معرفتی-فکری و فرهنگی بعد از انقلاب در دانشگاه‌های ما صورت گرفت، گفت: بعد از انقلاب اگر می‌گفتی غرب، می‌گفتند غرب یعنی کانت، هگل، افلاطون، ارسطو و فیلسوف‌ها را نشان می‌دادند.

عباسی ادامه داد: اگر غرب یعنی فلاسفه غربی، آیا به این فکر کرده‌ا ید که اگر کریستف کلمب در غرب نبود تا جایی که الان اسمش آمریکاست را کشف کند، غربیان از گرسنگی همدیگر را در اروپا خورده بودند؟ آیا به این فکر کرده‌اید که اگر مثلاً تاسمانی نبود که استرالیا را کشف کند و غربیان بروند و پوست مردم بومی آنجا را بکنند، این‌ها تا الان از گرسنگی همدیگر را در اروپا خورده بودند؟

وی در ادامه افزود: آیا به این فکر کردید که انگلیس یک ششم ایران خاک دارد و الان جمعیتش اندازه ایران است؟ اما جمعیت انگلیسی‌های بیرون خاک انگلیس حدود ۰۰۳ میلیون نفر است؟ یعنی سرزمین آقای جان لاک. اگر همین جمعیت امروز کره زمین در درون خاک انگلیسی که یک ششم ایران است مانده بودند حتماً تا حالا از گرسنگی خودشان را خورده بودند؟ و اصلاً کسی فکر نمی‌کرد که باید تفکر فلسفی و چه و چه را رقم بزند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال گفت: آیا به این اندیشیده‌اید که اساساً مالتوس وقتی نظریه جمعیتش را می‌گوید که جمعیت هر چند سال دو برابر می‌شود، اما سرزمین‌ها دو برابر نمی‌شود، کسی این قطعه دوم نظریه مالتوس که به ملکه انگلیس داده شد که ما

باید سرزمین‌گشایی کنیم ، باید برویم سرزمین‌های دیگر را بگیریم که سرریز جمعیت‌مان به آنجا برود را نمی‌داند؟

رئیس اندیشکده یقین گفت: در دوره اخیر جهت‌گیری غرب‌شناسی به این سمت رفته است که همه بورس وال استریت را بشناسید، چرا در ۰۵۱ شهر ایالت متحده مردم برای اعتراض، وال استریت را اشغال می‌کنند؟

وی ادامه داد: در دو فیلم سینمایی که الیور استون در سال ۷۸۹۱ بیست و سه سال پیش برای شناساندن وال استریت ساخت، تحت عنوان »وال استریت؛ پول هرگز نمی‌خوابد«! مناسبات درون وال استریت را به سادگی نشان داد و در سال ۰۱۰۲ قسمت دوم این فیلم را ساخت و در آن مناسبات و روابطی را که درون وال استریت وجود داشت، روشن کرد.

عباسی در ادامه تاکید کرد: در کلاس‌های دانشگاه‌ها می‌گویند که در درون غرب مشکلاتی به وجود آمده، غرب اصطلاحاً می‌خواهد خود را ری‌کاوری و بازیابی کند، نگران نباشید.

بنیانگذاری نظامی جدید مبتنی بر قرآن

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال در ادامه با بیان اینکه بسیاری از نظام‌هایی که از آن استفاده می‌کنیم به درد جامعه ما نمی‌خورد و جامعه ما را پوشش نمی‌دهد، گفت: پوسته جامعه ما دین است ولی مغزش تفکر مدرن است.

وی در ادامه افزود: اگر مهدویت و مباحث مهدویت را به سمت انگاره‌های جهت‌مند مناسب جهت‌دهی نکنیم، بی‌شک مهدویت به سمت موارد احساسی چون؛ »ظهور نزدیک است« و .. می رود.

عباسی با اشاره به ویروسی شدن سیستم عامل موجود جهان که اقتصاد، فرهنگ و سیاست را رقم زده، گفت: برای جایگزینی باید نظام جدیدی را تعریف کرد و غیر از شیعه چه کسی ادعا داشته طرح جایگزین دارد؟ چینی‌ها، ژاپنی‌ها، هندی‌ها، روس‌ها کدام کشور باید در جهان جایگزین را تهیه کند؟

وی با اشاره به اینکه آنچه اکنون در جهان حاکم است همان جامعه مدنی است، گفت: ساز و کاری که در جامعه مدنی مطرح است از سه لایه اصلی برخوردار است؛ دولت‌سازی، نظام‌سازی و ملت‌سازی، دولت‌سازی در رأس هرم، ساخت ملت در قاعده و حد وسط بین دولت و ملت، نظام‌سازی نامیده می‌شود.

نظام‌سازی شبیه بافتن فرش است

وی در ادامه با تاکید بر اینکه نظام‌سازی حد وسط است، افزود: در ابتدا باید دولت‌سازی و ملت‌سازی کرد، سپس در حد وسط بین دولت و ملت دست به ساخت نظام زد، نظام‌سازی شبیه بافتن فرش است و به تارها که از بالا به پایین می‌آید نظام می‌گویند، پودها همان دولت‌چینی است، چراکه از پایین‌ترین لایه‌ای که در هر اداره وجود دارد تا بالاترین رأس یک دولت لایه لایه آنها را

می‌چینند و ملت‌چینی همان چینش گره‌های هر فرش است.

حسن عباسی در ادامه به انحرافاتی که جامعه ما در این زمینه داشته اشاره کرد و در توضیح انحرافاتی که در بخش ملت‌سازی داشتیم به بیان حرف مارکس و اشتباهات نظام سرمایه‌داری که ما نیز به آن دچار شده‌ایم پرداخت و گفت: حرف مارکس این بود که سرمایه‌داری به سر عقل می‌آید و وقتی فرو می‌پاشد فئودالیزم و در مرحله بعد به کمونیزم می‌رسد.

همچنین وی با اشاره به تعبیری که مرحوم شریعتی از قول شوارتز نقل کرده، گفت: نظام سرمایه‌داری به سر عقل آمد و برای اینکه خودآگاهی طبقاتی به وجود نیاید، مردم را در پادگان‌ها، کارخانه‌ها و با ساختن خانه‌های سازمانی برای هر قشر، دور هم جمع کرد، اما از هم جداشان کرد که به همدیگر اطلاعات را منتقل نکنند و با این کار جلوی خودآگاهی طبقاتی را گرفت.

وی با بیان اینکه شاه به پیروی از نظام سرمایه‌داری، پول‌های بادآورده نفت را در ساخت ارتش و صنعت نفت هزینه کرد، گفت: حداقل دو ارگان قبل از انقلاب خانه سازمانی داشتند یکی صنعت نفت و دیگری ارتش، با این کار، آگاهی‌ای که در پالایشگاه ایجاد می شد دیگر به جامعه منتقل نمی‌شد.

عباسی با انتقاد از تقلید کورکورانه‌ای که بعد از انقلاب در جامعه‌سازی رخ داد، گفت: پس از انقلاب کنار هر شهری به هر گروهی زمینی داده و برای هر گروه خانه‌های جدایی ساخته شد و این یعنی رنگ‌های فرش را جدا کرده و هر کدام را کنار هم در گوشه‌ای گذاشتند در حالی که جامعه یک هرم کامل است هرم دولت، ملت و نظام.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال با بیان اینکه یکی از معضلات اصلی فرهنگی ما این است که همان روش غلطی که غربی‌ها در پیش گرفتند را، در پیش گرفتیم، گفت: اگر در یک محله صنف‌های مختلف در کنار هم قرار گیرند خلقیات فرهنگی‌شان در هم اثر می‌گذارد.

وی یکی از دلایل بالا بودن مشکلات فرهنگی در جامعه را، تفکیک صنف‌های مختلف فرهنگی و شغلی از یکدیگر دانست و افزود: وقتی گروه‌های امنیتی و اطلاعاتی از میان مردم خارج می‌شوند سطح امنیت جامعه در ساعات غیر کاری پایین می‌آید، همچنین وقتی عناصر فرهنگی مانند معلمان در میان مردم نباشند سطح فرهنگی مردم کاهش میابد.

عباسی با تاکید بر اینکه ما در ملت‌سازی دچار مشکل هستیم، گفت: یکی از نمونه‌های اشتباه در ملت‌سازی ما این است که در دوره ملت‌سازی مردم را از هم جدا کردیم.

رئیس اندیشکده یقین گفت:

بنیادی‌ترین مشکل غرب در ملت‌سازی این است که مردم زمانی سرمایه حکومت و جامعه محسوب می‌شوند که یا ثروتمند باشند یا ثروت مادی تولید کنند.

پروسه جامعه‌سازی یک پروسه صد ساله است

رئیس مرکز بررسی های دکترینال با بیان اینکه پروسه جامعه‌سازی صد ساله است، گفت: ۵۲ سال دولت‌سازی، ۵۲ سال

ملت‌سازی، ۵۲ سال نظام‌سازی و ۵۲ سال هم زمین یا ملک طول می‌کشد، البته ما در ۲۳ ساله بعد انقلاب توانستیم تا حدودی هم ملت‌سازی کنیم و هم دولت‌سازی کردیم؛ چرا که برخی از بخش‌های دولت‌سازی مانند شورای شهرها هنوز به توانایی خود نرسیده‌اند، همچنین پرداخت تفصیلی به مبانی فکری نظریه حکومتی ولایت فقیه تازه بعد انقلاب مطرح شده است.

سیستم‌های یک جامعه از پیچیده‌ترین بخش‌های جامعه تا ساده‌ترین بخش آن باید کارآمد باشند.

عباسی با بیان اینکه حد فاصل دولت‌سازی و ملت‌سازی، نظام است، گفت: سیستم به معنی ایجاد ارتباط معنادار میان اجزا در یک کل است که در نسبت با محیط خدمات ارائه می‌کند؛ اجزای اداره یک حکومت ۰۰۴۱ قطعه است که در نسبت با هم تعریف می‌شوند.

وی توضیح داد که سیستم‌ها از پیچیده‌ترین بخش جامعه تا ساده‌ترین بخش آن باید کارآمد باشند و در صورتی که لایه لایه خرد شوند نیز جواب بدهند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال با بیان اینکه دوره کنونی، دوره جدیدی است که جامعه باید از اساس، قرآنی تعریف بشود، گفت: از این جامعه در قرآن به عنوان »هجر« نام برده شده است.

عباسی در ادامه گفت: در »جامعه هجری« انسان متمدن مطرح نیست و انسان هاجر مدنظر است، یعنی آحاد جامعه در هر صورتی که فعالیت خودشان را انجام می‌دهند، باید آماده هجرت از خودشان به سوی خدا باشند.

در جامعه مهدوی مردم در هر جایی که هستند آماده هجرتند

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال با بیان اینکه جامعه هجری همان جامعه مهدوی است، گفت: جامعه مهدوی، جامعه‌ای است که در آن مردم با حداکثر ظرفیت، قرآن را توسط حضرت دریافت می‌کنند، در این جامعه، عقل انسان‌ها به قدری موسع می شود که مردم در هر جایی که هستند آماده هجرتند.

وی با اشاره به ملت‌چینی در جامعه هجری گفت: در جامعه هجری انسان‌ها با توجه به ضریب ایمانشان و به میزان تولید ایمان برای دیگران، سرمایه جامعه و حکومت محسوب می‌شوند.

عباسی در ادامه با اشاره به لایه دوم یعنی لایه علمی جامعه مهدوی گفت: علمی که ضریب ایمان را بالا ببرد و ایمان را تثبیت کند، در این جامعه مدنظر است و در لایه سوم که سرمایه اجتماعی است، مناسبات میان افراد باید حول افزایش ایمان و تثبیت ایمان تعریف شود.

وی با بیان اینکه افرادی مانند آیت الله بهجت به ظرفیتشان شناخته می‌شوند، گفت: غالب افراد عادی جامعه به مظروف خود شناخته می‌شوند که اگر مردم در خود ظرفیت قرآن را ایجاد کنند، ظهور حضرت محقق می‌شود.

اسلام اقتصاد با مالکیت درجه یک را از بین می‌برد و اقتصاد با مالکیت درجه دو را جایگزین می‌کند

رئیس اندیشکده یقین با اشاره به »نظام بیع« به عنوان یکی از نمونه‌های نظام‌سازی قرآنی در حوزه‌ی اقتصاد گفت: چیزی به نام اقتصاد در اسلام وجود ندارد و مبنای دکترین اقتصاد در اسلام آیه ۱۱۱ سوره توبه »إنّ اللهَ اشتری«... است که خدا می‌گوید من مشتری‌ام و هر چه بنده مؤمن تولید کند خدا آن را می‌خرد.

وی با بیان اینکه باید بساط اقتصاد نوین لیبرالیسم را از دانشگاه‌ها جمع کرد، گفت: اسلام اقتصاد با مالکیت درجه یک را از بین می‌برد و اقتصاد با مالکیت درجه دو را جایگزین می‌کند.

عباسی با بیان اینکه قرآن می‌گوید باید حکیم بشوید نه دکتر، گفت: حضرت علی(ع) می فرماید: »الحکمه ضاله المؤمن« یعنی در این سیستم هر چه در حکمت جلو رویم خوف از خدا بیشتر می‌شود و رأس حکمت، خوف از خداست، اما در نظام علمی کنونی فرد هر چه جلوتر می‌رود به خدا بی‌اعتمادتر می‌شود.

حسن عباسی در انتها خاطرنشان کرد: رسالت دانشجوی منتظر ظهور در نظام‌سازی این است که از بحث توصیفی عبور کند و به سراغ بحث تبیینی برود و سعی کند مطالعاتش تطبیقی باشد، یعنی آنچه در نظام غرب مطرح هست را مطالعه کرده و ما به ازای آن را در اندیشه دینی تبیین کند.

برگرفته از: آرشیو روزنامه کیهان، مورخ ۵۰/۹۰/۰۹۳۱ – همراه با ویرایش

http://kayhannews.ir/900905/12.htm#other1204